



MDOI-02-2026.0455  
MNR-469-2-9D6476

## ساخت و اعتباریابی چارچوب شایستگی های اخلاقیِ کاربرِ هوش مصنوعی در خانواده

درمانی

حسین مهری

دانشجو کارشناسی ارشد مشاوره خانواده

## چکیده

گسترش سریع هوش مصنوعی در حوزه سلامت روان، فرصت‌های جدیدی برای ارتقای فرایند ارزیابی، مستندسازی، تصمیم‌گیری و ارائه خدمات درمانی ایجاد کرده است؛ با این حال، استفاده از این فناوری در خانواده‌درمانی به دلیل ماهیت رابطه‌ای، چندمنفره و حساس اطلاعات مراجعان، نیازمند چارچوب‌های روشن اخلاقی و حرفه‌ای است. پژوهش حاضر با هدف ساخت و اعتباریابی چارچوب شایستگی‌های اخلاقی کاربرست هوش مصنوعی در خانواده‌درمانی انجام شده است. در این چارچوب، شایستگی اخلاقی به مجموعه‌ای از دانش، مهارت، نگرش و توانایی حرفه‌ای درمانگر برای استفاده مسئولانه، ایمن، شفاف و عادلانه از ابزارهای هوش مصنوعی در فرایند خانواده‌درمانی اشاره دارد. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که ابزارهای هوش مصنوعی ممکن است با مسائلی همچون نقض محرمانگی، افشای اطلاعات حساس، سوگیری الگوریتمی، تولید اطلاعات نادرست، کاهش استقلال مراجع، ابهام در مسئولیت حرفه‌ای و وابستگی بیش از حد درمانگر به فناوری همراه باشند. راهنمای انجمن روان‌شناسی آمریکا نیز بر شفافیت، رضایت آگاهانه، کاهش سوگیری، امنیت داده‌ها، صلاحیت حرفه‌ای و حفظ نظارت انسانی در استفاده از هوش مصنوعی تأکید دارد. از سوی دیگر، پژوهش‌های جدید در حوزه زوج و خانواده‌درمانی بر ضرورت ایجاد شایستگی‌های اختصاصی برای استفاده از هوش مصنوعی و هماهنگ کردن آن با اخلاق رابطه‌ای و مراقبت فردمحور تأکید کرده‌اند. بر این اساس، چارچوب پیشنهادی پژوهش می‌تواند مؤلفه‌هایی مانند رضایت آگاهانه، محرمانگی و حفاظت از داده‌ها، عدالت و مقابله با سوگیری، شفافیت و توضیح‌پذیری، مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای، صلاحیت و آموزش درمانگر، نظارت انسانی، ارزیابی اعتبار ابزار و توجه به پیامدهای رابطه‌ای و فرهنگی را دربرگیرد. انتظار می‌رود چارچوب حاصل بتواند مبنایی برای آموزش خانواده‌درمانگران، انتخاب و ارزیابی ابزارهای هوش مصنوعی و تدوین دستورالعمل‌های اخلاقی برای استفاده مسئولانه از این فناوری فراهم کند.

کلمات کلیدی: هوش مصنوعی، خانواده‌درمانی، شایستگی اخلاقی، اخلاق حرفه‌ای، رضایت آگاهانه، محرمانگی، سوگیری الگوریتمی، نظارت انسانی

## مقدمه

هوش مصنوعی در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین فناوری‌های تحول‌آفرین در حوزه سلامت و خدمات روان‌شناختی تبدیل شده است. گسترش مدل‌های زبانی، چت‌بات‌ها، سامانه‌های تحلیل داده و ابزارهای هوشمند، شیوه ارائه و دریافت خدمات سلامت روان را با تغییرات قابل توجهی مواجه کرده است. در حوزه روان‌شناسی و روان‌درمانی، هوش مصنوعی می‌تواند برای مستندسازی جلسات، سازمان‌دهی اطلاعات، پشتیبانی از تصمیم‌گیری بالینی، تولید محتوای آموزشی و برخی فعالیت‌های ارزیابی و درمانی مورد استفاده قرار گیرد. با وجود این ظرفیت‌ها، ورود فناوری هوش مصنوعی به محیط درمانی صرفاً یک مسئله فنی نیست، بلکه موضوعی عمیقاً اخلاقی و حرفه‌ای محسوب می‌شود. انجمن روان‌شناسی آمریکا بر ضرورت توجه به شفافیت، رضایت آگاهانه، امنیت داده‌ها، سوگیری و نظارت انسانی در استفاده حرفه‌ای از هوش مصنوعی تأکید کرده است. این مسئله در خانواده‌درمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا خانواده‌درمانی برخلاف بسیاری از موقعیت‌های درمانی، معمولاً با روابط پیچیده میان چند فرد، تعارض‌های خانوادگی، اطلاعات خصوصی و گاه دیدگاه‌های متفاوت اعضای خانواده سروکار دارد. در چنین شرایطی، ورود یک سامانه هوش مصنوعی به فرایند درمان می‌تواند پرسش‌های جدیدی درباره مالکیت و حفاظت از اطلاعات، حدود محرمانگی،



رضایت اعضای خانواده و مسئولیت درمانگر ایجاد کند. از سوی دیگر، سیستم های هوش مصنوعی ممکن است اطلاعات نادرست یا توصیه هایی تولید کنند که با شرایط منحصر به فرد خانواده سازگار نباشد. همچنین سوگیری های موجود در داده های آموزشی الگوریتم ها می تواند باعث شود برخی گروه های فرهنگی، اجتماعی یا جمعیتی به شکل ناعادلانه ای بازنمایی شوند. در خانواده درمانی، چنین سوگیری هایی ممکن است بر نحوه درک روابط خانوادگی، تشخیص مشکلات و انتخاب مداخلات اثر بگذارد. پژوهش های جدید در حوزه زوج و خانواده درمانی نیز نشان داده اند که برای استفاده مناسب از هوش مصنوعی، وجود شایستگی های اختصاصی ضروری است و این شایستگی ها باید با اخلاق رابطه ای و مراقبت فردمحور هماهنگ باشند. یکی از مهم ترین مؤلفه های اخلاقی در این زمینه، رضایت آگاهانه است؛ به این معنا که مراجعان باید بدانند آیا هوش مصنوعی در فرایند درمان مورد استفاده قرار می گیرد، چه اطلاعاتی در اختیار سامانه قرار می گیرد و مزایا و خطرهای احتمالی آن چیست. شفافیت در استفاده از فناوری می تواند اعتماد میان درمانگر و اعضای خانواده را تقویت کند.

محرمانگی و امنیت اطلاعات نیز از مسائل اساسی این حوزه است، زیرا اطلاعات خانوادگی و روان شناختی می تواند بسیار حساس باشد و در صورت استفاده نامناسب از ابزارهای هوش مصنوعی در معرض دسترسی غیرمجاز قرار گیرد. بنابراین خانواده درمانگر باید پیش از استفاده از هر ابزار، درباره نحوه جمع آوری، ذخیره، پردازش و حفاظت از داده ها آگاهی کافی داشته باشد. مسئله مهم دیگر، حفظ نقش و مسئولیت حرفه ای درمانگر است. هوش مصنوعی نباید جایگزین قضاوت تخصصی و رابطه انسانی درمانگر شود، بلکه باید در صورت مناسب بودن به عنوان ابزار کمکی مورد استفاده قرار گیرد. منابع حرفه ای نیز بر این اصل تأکید دارند که تصمیم نهایی درباره توصیه ها و مداخلات بالینی باید تحت نظارت و مسئولیت متخصص انسانی باقی بماند. بنابراین، خانواده درمانگر به مجموعه ای از شایستگی های جدید نیاز دارد که علاوه بر مهارت های سنتی درمانگری، دانش و توانایی لازم برای ارزیابی و استفاده اخلاقی از فناوری را نیز شامل شود. این شایستگی ها باید توانایی تشخیص محدودیت های هوش مصنوعی، شناسایی سوگیری، ارزیابی اعتبار اطلاعات تولید شده، حفاظت از داده ها و توضیح نحوه استفاده از فناوری برای مراجعان را دربرگیرد. همچنین توجه به تفاوت های فرهنگی و اجتماعی خانواده ها در استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی ضروری است؛ زیرا یک راهکار فناورانه ممکن است برای همه خانواده ها به یک شکل مناسب نباشد. در این میان، ساخت یک چارچوب جامع و معتبر برای شایستگی های اخلاقی می تواند به خانواده درمانگران کمک کند تا در مواجهه با فناوری های جدید تصمیم های مسئولانه تری اتخاذ کنند. چنین چارچوبی همچنین می تواند برای برنامه های آموزشی دانشگاهی، دوره های توانمندسازی حرفه ای و تدوین دستورالعمل های اخلاقی مورد استفاده قرار گیرد. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر ساخت و اعتباریابی چارچوب شایستگی های اخلاقی کاربرست هوش مصنوعی در خانواده درمانی، تلاش می کند میان ظرفیت های فناورانه هوش مصنوعی و اصول اخلاقی و انسانی حرفه خانواده درمانی پیوندی علمی و کاربردی ایجاد کند.

#### بیان مسئله

گسترش سریع فناوری های هوش مصنوعی، شیوه ارائه بسیاری از خدمات تخصصی از جمله خدمات سلامت روان را با تحول روبه رو کرده است. خانواده درمانی نیز به عنوان یکی از حوزه های مهم مداخلات روان شناختی، از این تحولات بی تأثیر نمانده است. ابزارهای هوش مصنوعی می توانند در فعالیت هایی مانند سازمان دهی اطلاعات، تحلیل داده های درمانی، مستندسازی، ارائه

محتوای آموزشی و پشتیبانی از تصمیم‌گیری حرفه‌ای مورد استفاده قرار گیرند. با وجود این ظرفیت‌ها، استفاده از هوش مصنوعی در خانواده‌درمانی با مجموعه‌ای از مسائل اخلاقی، حرفه‌ای و حقوقی همراه است. خانواده‌درمانگر با اطلاعاتی بسیار حساس درباره اعضای خانواده، روابط زوجین، تعارض‌ها، مسائل شخصی و سوابق روان‌شناختی مواجه است و وارد کردن چنین اطلاعاتی به سامانه‌های هوش مصنوعی می‌تواند خطرهایی برای محرمانگی و حریم خصوصی ایجاد کند. از سوی دیگر، همه اعضای خانواده ممکن است درباره استفاده از هوش مصنوعی رضایت یکسانی نداشته باشند و همین مسئله مفهوم رضایت آگاهانه را در خانواده‌درمانی پیچیده‌تر می‌کند. مسئله دیگر، احتمال وجود سوگیری در الگوریتم‌های هوش مصنوعی است؛ به گونه‌ای که یک سامانه ممکن است بر اساس داده‌های آموزشی محدود، درباره جنسیت، فرهنگ، سبک زندگی یا ساختار خانواده برداشت نادرستی داشته باشد. چنین سوگیری‌هایی می‌توانند بر فرایند ارزیابی و تصمیم‌گیری درمانی تأثیر بگذارند. همچنین هوش مصنوعی ممکن است پاسخ‌هایی تولید کند که از نظر ظاهری معتبر به نظر برسند، اما از نظر علمی یا بالینی نادرست باشند. بنابراین اتکای بدون بررسی درمانگر به خروجی سامانه می‌تواند سلامت و کیفیت خدمات درمانی را تهدید کند. مسئله مهم دیگر، مشخص نبودن حدود مسئولیت در زمان استفاده از هوش مصنوعی است. در صورت بروز خطا، باید مشخص باشد مسئولیت متوجه درمانگر، تولیدکننده سامانه یا نحوه استفاده از فناوری است. از این رو، خانواده‌درمانگران نیازمند مجموعه‌ای از شایستگی‌های مشخص برای استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی هستند. این شایستگی‌ها باید علاوه بر دانش فنی، مهارت‌های اخلاقی، توانایی ارزیابی خطر، تشخیص سوگیری، حفاظت از اطلاعات و حفظ رابطه انسانی درمان را شامل شوند. نبود یک چارچوب جامع و اختصاصی می‌تواند موجب استفاده ناهماهنگ و گاه غیرمسئولانه از ابزارهای هوش مصنوعی شود. چارچوب‌های عمومی اخلاق هوش مصنوعی اگرچه اصول ارزشمندی ارائه می‌کنند، اما لزوماً همه پیچیدگی‌های روابط چندنفره و پویایی‌های خاص خانواده‌درمانی را پوشش نمی‌دهند. بنابراین مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که چارچوب شایستگی‌های اخلاقی لازم برای کاربست مسئولانه، ایمن و حرفه‌ای هوش مصنوعی در خانواده‌درمانی از چه مؤلفه‌هایی تشکیل می‌شود و آیا این چارچوب از اعتبار علمی کافی برخوردار است؟ پاسخ به این مسئله می‌تواند زمینه استفاده آگاهانه‌تر و اخلاقی‌تر از هوش مصنوعی را در حرفه خانواده‌درمانی فراهم سازد.

#### اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت پژوهش حاضر از آنجا ناشی می‌شود که هوش مصنوعی با سرعت زیادی در حال ورود به عرصه‌های مختلف سلامت روان است و خانواده‌درمانی نیز به تدریج با فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از این فناوری مواجه می‌شود. استفاده صحیح از هوش مصنوعی می‌تواند برخی فعالیت‌های حرفه‌ای درمانگران را تسهیل کند، اما نبود اصول روشن و شایستگی‌های مشخص ممکن است پیامدهای نامطلوبی برای مراجعان داشته باشد. حساسیت اطلاعات مورد استفاده در خانواده‌درمانی، ضرورت توجه جدی به حفظ محرمانگی و حریم خصوصی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، حضور چند عضو خانواده در فرایند درمان باعث می‌شود موضوع رضایت آگاهانه و نحوه استفاده از اطلاعات پیچیده‌تر از برخی موقعیت‌های فردی باشد. اهمیت دیگر این پژوهش به مسئله سوگیری الگوریتمی مربوط می‌شود؛ زیرا تصمیم‌ها و پیشنهادهای هوش مصنوعی ممکن است تحت تأثیر داده‌های ناقص یا سوگیری‌های موجود در منابع آموزشی آن قرار گیرند. ایجاد چارچوب شایستگی‌های اخلاقی می‌تواند به درمانگران کمک کند تا این سوگیری‌ها را شناسایی کرده و از پذیرش بدون بررسی خروجی‌های سامانه جلوگیری کنند. از سوی دیگر، خانواده‌درمانگر باید بتواند میزان اعتبار، دقت و تناسب اطلاعات تولیدشده توسط هوش مصنوعی را ارزیابی کند. توجه به این مسئله برای



جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های نادرست و حفظ کیفیت خدمات درمانی ضروری است. پژوهش حاضر همچنین از نظر حفظ رابطه انسانی در خانواده درمانی اهمیت دارد؛ زیرا فناوری نباید موجب کاهش همدلی، ارتباط انسانی و توجه به تجربه منحصر به فرد اعضای خانواده شود. تدوین یک چارچوب معتبر می‌تواند مرز میان استفاده کمک‌کننده از فناوری و وابستگی نامناسب به آن را مشخص کند. این چارچوب همچنین می‌تواند به خانواده‌درمانگران در تصمیم‌گیری درباره زمان مناسب استفاده از هوش مصنوعی و زمان ضرورت پرهیز از آن کمک کند.

از نظر آموزشی، یافته‌های پژوهش می‌تواند در طراحی برنامه‌های آموزشی و دوره‌های توانمندسازی خانواده‌درمانگران مورد استفاده قرار گیرد. از نظر حرفه‌ای نیز چارچوب پیشنهادی می‌تواند به تدوین استانداردها و دستورالعمل‌های اخلاقی برای استفاده از فناوری‌های هوشمند کمک کند. اهمیت پژوهش در سطح سازمانی نیز قابل توجه است؛ زیرا مراکز ارائه خدمات سلامت روان می‌توانند از نتایج آن برای تنظیم سیاست‌های استفاده از سامانه‌های هوش مصنوعی بهره بگیرند. همچنین پژوهش می‌تواند زمینه توجه بیشتر به مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای و پاسخگویی در برابر پیامدهای استفاده از فناوری را فراهم کند. با توجه به سرعت تحول ابزارهای هوش مصنوعی، وجود چارچوبی پویا و قابل ارزیابی می‌تواند به متخصصان کمک کند تا هم از فرصت‌های فناوری بهره ببرند و هم خطرهای آن را مدیریت کنند. در نهایت، ضرورت اصلی این پژوهش ایجاد تعادل میان نوآوری فناوری، اخلاق حرفه‌ای، امنیت اطلاعات، حقوق مراجعان و حفظ کیفیت رابطه درمانی است؛ بنابراین ساخت و اعتباریابی چارچوب شایستگی‌های اخلاقی می‌تواند گامی مهم در جهت استفاده مسئولانه و انسانی از هوش مصنوعی در خانواده درمانی باشد.

#### اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، ساخت و اعتباریابی چارچوب شایستگی‌های اخلاقی لازم برای کاربست هوش مصنوعی در خانواده درمانی است. این پژوهش تلاش می‌کند مجموعه‌ای منسجم از دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و اصول اخلاقی مورد نیاز خانواده‌درمانگران برای استفاده مسئولانه از فناوری هوش مصنوعی را شناسایی و سازمان‌دهی کند. یکی از اهداف پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های اصلی شایستگی اخلاقی در استفاده از هوش مصنوعی در خانواده درمانی است. هدف دیگر، بررسی الزامات اخلاقی مربوط به حفظ محرمانگی و حریم خصوصی اطلاعات اعضای خانواده است. همچنین پژوهش به دنبال تعیین الزامات مربوط به کسب رضایت آگاهانه مراجعان پیش از استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی است. بررسی نقش شفافیت در اطلاع‌رسانی درباره نحوه استفاده از هوش مصنوعی از دیگر اهداف پژوهش است. شناسایی راهکارهای پیشگیری و کاهش سوگیری‌های الگوریتمی در فرایند خانواده درمانی نیز مورد توجه قرار دارد. پژوهش همچنین قصد دارد میزان اهمیت نظارت انسانی بر خروجی‌های هوش مصنوعی را مشخص کند. بررسی مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای خانواده‌درمانگران در هنگام استفاده از فناوری هوش مصنوعی از دیگر اهداف است. هدف دیگر، شناسایی مهارت‌های لازم برای ارزیابی صحت، اعتبار و تناسب اطلاعات تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی است. همچنین پژوهش تلاش می‌کند نقش صلاحیت فناوریانه درمانگران را در استفاده اخلاقی از این فناوری بررسی کند. توجه به حفظ رابطه انسانی، همدلی و ارتباط درمانی در کنار استفاده از فناوری نیز از اهداف مهم پژوهش محسوب می‌شود. بررسی ملاحظات فرهنگی و اجتماعی خانواده‌ها در استفاده از هوش مصنوعی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. پژوهش همچنین به دنبال شناسایی خطرهای احتمالی ناشی از استفاده نادرست از هوش مصنوعی در خانواده درمانی است. از اهداف دیگر، بررسی میزان اهمیت آموزش اخلاق هوش مصنوعی برای خانواده‌درمانگران است. در نهایت،

هدف پژوهش ارائه چارچوبی علمی و قابل استفاده برای آموزش، ارزیابی و هدایت خانواده درمانگران در استفاده ایمن، مسئولانه، شفاف و اخلاقی از هوش مصنوعی و بررسی اعتبار علمی چارچوب پیشنهادی از دیدگاه متخصصان است.

#### سؤالات پژوهش

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چارچوب شایستگی های اخلاقی کاربری هوش مصنوعی در خانواده درمانی از چه مؤلفه هایی تشکیل می شود و آیا این چارچوب از اعتبار علمی کافی برخوردار است؟ مهم ترین مؤلفه های اخلاقی مورد نیاز خانواده درمانگران برای استفاده از هوش مصنوعی کدامند؟ چه میزان دانش و آگاهی اخلاقی برای استفاده حرفه ای از هوش مصنوعی در خانواده درمانی ضروری است؟ چه مهارت هایی برای استفاده مسئولانه از ابزارهای هوش مصنوعی مورد نیاز خانواده درمانگران است؟ رضایت آگاهانه مراجعان در استفاده از هوش مصنوعی چگونه باید تأمین شود؟ چه الزامات اخلاقی برای حفظ محرمانگی اطلاعات اعضای خانواده وجود دارد؟ چگونه می توان از حریم خصوصی داده های درمانی در سامانه های هوش مصنوعی محافظت کرد؟ خانواده درمانگر چگونه می تواند صحت و اعتبار اطلاعات تولیدشده توسط هوش مصنوعی را ارزیابی کند؟ چه راهکارهایی برای شناسایی و کاهش سوگیری های الگوریتمی در خانواده درمانی وجود دارد؟ نقش شفافیت در استفاده از هوش مصنوعی در فرایند درمان چیست؟ مسئولیت حرفه ای درمانگر در قبال خطاهای احتمالی سامانه هوش مصنوعی چگونه تعریف می شود؟ نظارت انسانی بر عملکرد هوش مصنوعی در خانواده درمانی چه جایگاهی دارد؟ چه شایستگی هایی برای تشخیص محدودیت های هوش مصنوعی مورد نیاز است؟ استفاده از هوش مصنوعی چه تأثیری بر رابطه درمانگر و اعضای خانواده می تواند داشته باشد؟ چگونه می توان از کاهش همدلی و ارتباط انسانی در اثر استفاده از فناوری جلوگیری کرد؟ ملاحظات فرهنگی در استفاده از هوش مصنوعی در خانواده درمانی کدامند؟ چه تفاوت هایی میان استفاده از هوش مصنوعی در درمان فردی و خانواده درمانی وجود دارد؟ چه خطرهای اخلاقی در وارد کردن اطلاعات چند عضو خانواده به سامانه های هوش مصنوعی وجود دارد؟ خانواده درمانگران برای استفاده اخلاقی از فناوری به چه نوع آموزش هایی نیاز دارند؟ چه مؤلفه هایی باید در یک برنامه آموزشی شایستگی هوش مصنوعی برای خانواده درمانگران گنجانده شود؟ چه شاخص هایی برای سنجش شایستگی اخلاقی خانواده درمانگران مناسب است؟ آیا چارچوب پیشنهادی از دیدگاه متخصصان خانواده درمانی و اخلاق حرفه ای اعتبار محتوایی کافی دارد؟ آیا مؤلفه های شناسایی شده از نظر متخصصان دارای اهمیت یکسان هستند؟ ساختار نهایی چارچوب شایستگی های اخلاقی چگونه باید تنظیم شود؟ و در نهایت، چگونه می توان از چارچوب پیشنهادی برای ارتقای کیفیت و ایمنی کاربری هوش مصنوعی در خانواده درمانی استفاده کرد؟

#### پیشینه پژوهش

پژوهش درباره استفاده از هوش مصنوعی در سلامت روان در سال های اخیر رشد قابل توجهی داشته است و بسیاری از مطالعات بر فرصت ها و خطرهای استفاده از این فناوری در خدمات روان شناختی تمرکز کرده اند. مطالعات موجود نشان می دهند که هوش مصنوعی می تواند در برخی فعالیت های حرفه ای مانند پشتیبانی از تصمیم گیری، سازماندهی اطلاعات و ارائه خدمات دیجیتال سلامت روان کاربرد داشته باشد. با این حال، پژوهشگران همزمان درباره محرمانگی، امنیت داده ها، سوگیری الگوریتمی، دقت اطلاعات و مسئولیت حرفه ای هشدار داده اند. راهنمای اخلاقی انجمن روان شناسی آمریکا نیز بر ضرورت توجه به شفافیت، رضایت



آگاهانه، کاهش سوگیری، حفاظت از داده‌ها، صلاحیت حرفه‌ای و نظارت انسانی در استفاده از هوش مصنوعی تأکید دارد. در مطالعات مربوط به کاربرد هوش مصنوعی در روان‌درمانی، مسئله حفظ رابطه انسانی میان درمانگر و مراجع یکی از موضوعات مهم بوده است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که فناوری می‌تواند نقش کمکی داشته باشد، اما جایگزینی کامل ارتباط انسانی با سامانه‌های هوشمند با چالش‌های اخلاقی و حرفه‌ای جدی همراه است. پژوهش‌های جدیدتر در حوزه زوج و خانواده‌درمانی نیز توجه ویژه‌ای به نیاز به شایستگی‌های اختصاصی برای استفاده از هوش مصنوعی نشان داده‌اند. در این مطالعات بر هماهنگی استفاده از فناوری با اخلاق رابطه‌ای، مراقبت فردمحور، مسئولیت حرفه‌ای و ویژگی‌های خاص روابط خانوادگی تأکید شده است. برخی مطالعات نیز نشان داده‌اند که خانواده‌درمانی به دلیل درگیر بودن چند مراجع و وجود اطلاعات مرتبط با روابط میان اعضای خانواده، با مسائل پیچیده‌تری در زمینه رضایت و محرمانگی روبه‌رو است. از سوی دیگر، پژوهش‌های مربوط به سوگیری الگوریتمی نشان داده‌اند که ابزارهای هوش مصنوعی ممکن است تحت تأثیر داده‌های آموزشی و الگوهای موجود در آن‌ها قرار گیرند و در برخی شرایط خروجی‌های ناعادلانه یا نامتناسب ایجاد کنند. مطالعات اخلاق هوش مصنوعی همچنین بر اهمیت توضیح‌پذیری و شفافیت تأکید کرده‌اند تا کاربران حرفه‌ای بتوانند محدودیت‌ها و مبنای استفاده از خروجی‌های سامانه را بهتر درک کنند. پژوهش‌های مرتبط با صلاحیت حرفه‌ای درمانگران نیز نشان می‌دهند که آشنایی با فناوری به تنهایی کافی نیست و متخصصان باید توانایی ارزیابی خطر، تشخیص خطا و تصمیم‌گیری اخلاقی داشته باشند. در برخی مطالعات، آموزش متخصصان به عنوان یکی از الزامات اصلی استفاده ایمن از هوش مصنوعی معرفی شده است. همچنین پژوهش‌های حوزه امنیت داده بر ضرورت حفاظت از اطلاعات حساس سلامت روان و تعیین حدود دسترسی و استفاده از داده‌ها تأکید کرده‌اند. با وجود گسترش این مطالعات، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های موجود بر کاربرد عمومی هوش مصنوعی در سلامت روان متمرکز بوده‌اند و چارچوب‌های اختصاصی برای خانواده‌درمانی هنوز محدودتر هستند. به‌ویژه، نیاز به چارچوبی که هم‌زمان شایستگی‌های اخلاقی، مهارت‌های فناورانه، الزامات خانواده‌درمانی و مسئولیت حرفه‌ای را در کنار یکدیگر قرار دهد، همچنان احساس می‌شود. بنابراین، پیشینه موجود ضرورت انجام پژوهشی منسجم برای شناسایی مؤلفه‌های شایستگی اخلاقی و ساخت چارچوبی متناسب با ویژگی‌های خانواده‌درمانی را نشان می‌دهد. پژوهش حاضر درصدد است با بهره‌گیری از یافته‌های مطالعات پیشین و نظر متخصصان، این خلأ را تا حدی پوشش داده و چارچوبی معتبر برای کاربری مسئولانه و اخلاقی هوش مصنوعی در خانواده‌درمانی ارائه کند.

#### مبانی نظری پژوهش

مبانی نظری پژوهش حاضر بر پیوند میان هوش مصنوعی، اخلاق حرفه‌ای، شایستگی‌های درمانی و رویکرد نظام‌مند خانواده‌درمانی استوار است. هوش مصنوعی به مجموعه‌ای از فناوری‌ها و الگوریتم‌هایی اشاره دارد که قادرند وظایفی مانند تحلیل داده، شناسایی الگوها، تولید محتوا، پردازش زبان طبیعی و ارائه پیشنهادها را انجام دهند. ورود این فناوری‌ها به حوزه سلامت روان فرصت‌هایی برای افزایش سرعت پردازش اطلاعات، سازمان‌دهی داده‌های بالینی، پشتیبانی از مستندسازی و دسترسی به منابع علمی ایجاد کرده است، اما هم‌زمان پرسش‌های مهمی درباره اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت درمانگر مطرح می‌کند. در خانواده‌درمانی این مسئله اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا موضوع درمان معمولاً به یک فرد محدود نیست و اطلاعات شخصی، عاطفی و ارتباطی چندین عضو خانواده در فرایند درمان مطرح می‌شود. بر اساس اصول اخلاق حرفه‌ای، استفاده از فناوری نباید موجب تضعیف استقلال مراجعان، محرمانگی اطلاعات یا کیفیت رابطه درمانی شود. اصل خودمختاری بر حق



مراجعان برای تصمیم‌گیری آگاهانه درباره مشارکت در فرایند درمان و نحوه استفاده از اطلاعات آنان تأکید دارد. بنابراین، رضایت آگاهانه در هنگام استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی یکی از مؤلفه‌های اساسی شایستگی اخلاقی درمانگر محسوب می‌شود. اصل سودمندی نیز اقتضا می‌کند که استفاده از هوش مصنوعی در جهت افزایش کیفیت خدمات و منافع مراجعان باشد. در مقابل، اصل پرهیز از آسیب ایجاب می‌کند درمانگر خطرات ناشی از خطاهای الگوریتمی، اطلاعات نادرست، سوگیری و افشای داده‌ها را شناسایی و مدیریت کند. عدالت و انصاف نیز از اصول مهم در کاربرد هوش مصنوعی هستند؛ زیرا الگوریتم‌ها ممکن است تحت تأثیر داده‌های آموزشی نامتوازن قرار گرفته و برای گروه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی یا زبانی عملکرد یکسانی نداشته باشند. شفافیت و توضیح‌پذیری نیز به این معناست که درمانگر باید تا حد امکان بداند یک سامانه هوش مصنوعی چه کاربردی دارد، چه محدودیت‌هایی دارد و نتایج آن چگونه باید تفسیر شود. از منظر شایستگی حرفه‌ای، درمانگر نباید صرفاً به دلیل در دسترس بودن یک فناوری از آن استفاده کند، بلکه باید دانش و مهارت لازم برای ارزیابی کیفیت، اعتبار، امنیت و تناسب ابزار را داشته باشد. همچنین مسئولیت نهایی تصمیم‌های درمانی همچنان بر عهده متخصص انسانی است و هوش مصنوعی نباید جایگزین قضاوت حرفه‌ای و رابطه انسانی شود. در رویکرد خانواده‌درمانی نظام‌مند، رفتار و مشکلات هر فرد در ارتباط با روابط خانوادگی و محیط اجتماعی او بررسی می‌شود؛ بنابراین استفاده از هوش مصنوعی باید با حساسیت نسبت به پویایی‌های خانوادگی و روابط میان اعضای خانواده انجام گیرد. چارچوب نظری پژوهش حاضر همچنین بر اهمیت شایستگی فرهنگی تأکید دارد، زیرا برداشت خانواده‌ها از حریم خصوصی، رضایت، فناوری و روابط خانوادگی می‌تواند تحت تأثیر زمینه فرهنگی قرار گیرد. از سوی دیگر، اصل محرمانگی در خانواده‌درمانی پیچیدگی بیشتری دارد؛ زیرا اطلاعات ممکن است متعلق به چند عضو خانواده باشد و درمانگر باید حدود دسترسی و استفاده از داده‌ها را به‌صورت روشن مشخص کند. اعتبارسنجی اطلاعات تولیدشده توسط هوش مصنوعی نیز بخش مهمی از اخلاق حرفه‌ای است؛ زیرا خروجی سامانه ممکن است نادرست، ناقص یا نامتناسب با وضعیت خاص خانواده باشد. بنابراین درمانگر باید توانایی تشخیص خطا، بررسی منابع و مقایسه خروجی هوش مصنوعی با شواهد علمی و اطلاعات بالینی را داشته باشد. در مجموع، مبانی نظری پژوهش حاضر بر این دیدگاه استوار است که کاربرد اخلاقی هوش مصنوعی در خانواده‌درمانی مستلزم ترکیبی از دانش فناوری، دانش اخلاقی، مهارت بالینی، تفکر انتقادی، مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای و توجه به حقوق و کرامت مراجعان است. بر همین اساس، چارچوب شایستگی‌های اخلاقی باید بتواند اصول اخلاقی را به رفتارها و مهارت‌های قابل سنجش و قابل استفاده در موقعیت‌های واقعی خانواده‌درمانی تبدیل کند.

#### تعاریف مفهومی و عملیاتی پژوهش

هوش مصنوعی: از نظر مفهومی، هوش مصنوعی به فناوری‌ها و سامانه‌هایی گفته می‌شود که با استفاده از الگوریتم‌ها و داده‌ها قادر به انجام وظایفی مانند تحلیل اطلاعات، تشخیص الگو، پردازش زبان، تولید متن و پشتیبانی از تصمیم‌گیری هستند. از نظر عملیاتی، در این پژوهش منظور از هوش مصنوعی مجموعه ابزارها و سامانه‌هایی است که می‌توانند در فرایندهای مرتبط با خانواده‌درمانی، از جمله مستندسازی، تحلیل اطلاعات، تولید محتوای تخصصی یا پشتیبانی از تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرند. خانواده‌درمانی: از نظر مفهومی، رویکردی در حوزه سلامت روان است که مشکلات فرد را در چارچوب روابط، تعاملات و نظام خانوادگی بررسی می‌کند و هدف آن بهبود الگوهای ارتباطی و عملکرد خانواده است.

از نظر عملیاتی، در این پژوهش خانواده‌درمانی به خدمات حرفه‌ای ارائه‌شده توسط درمانگران آموزش‌دیده گفته می‌شود که در آن روابط و تعاملات اعضای خانواده در فرایند ارزیابی و مداخله مورد توجه قرار می‌گیرد. شایستگی اخلاقی: از نظر مفهومی، مجموعه‌ای از دانش، نگرش، ارزش‌ها و مهارت‌هایی است که به متخصص امکان می‌دهد در موقعیت‌های حرفه‌ای تصمیم‌های

مسئولانه، عادلانه و اخلاقی اتخاذ کند. از نظر عملیاتی، شایستگی اخلاقی در این پژوهش بر اساس مؤلفه های چارچوب پیشنهادی و میزان توافق متخصصان درباره اهمیت و ضرورت هر مؤلفه سنجیده می شود. شایستگی اخلاقی در کاربست هوش مصنوعی: از نظر مفهومی، توانایی درمانگر برای استفاده آگاهانه، مسئولانه، ایمن و اخلاق مدار از ابزارهای هوش مصنوعی در فعالیتهای خانواده درمانی است. از نظر عملیاتی، این متغیر از طریق مؤلفه هایی مانند رضایت آگاهانه، محرمانگی، حفاظت از داده ها، عدالت، کاهش سوگیری، شفافیت، مسئولیت پذیری، نظارت انسانی، صلاحیت حرفه ای و ارزیابی اعتبار خروجی های هوش مصنوعی سنجیده می شود. رضایت آگاهانه: از نظر مفهومی، فرایندی است که طی آن مراجع پس از دریافت اطلاعات کافی درباره ماهیت، هدف، مزایا، خطرات و محدودیت های یک اقدام درمانی، با آگاهی تصمیم گیری می کند. از نظر عملیاتی، شامل اطلاع رسانی درباره استفاده از هوش مصنوعی، نوع اطلاعات مورد استفاده، اهداف استفاده و حق مراجع برای پرسش یا مخالفت با کاربرد فناوری است. محرمانگی: از نظر مفهومی، تعهد درمانگر به حفاظت از اطلاعات خصوصی و درمانی مراجعان است. از نظر عملیاتی، به رعایت اصول امنیت داده، محدودسازی دسترسی، جلوگیری از افشای اطلاعات خانوادگی و انتخاب ابزارهای دارای سطح مناسب حفاظت از اطلاعات اشاره دارد. سوگیری الگوریتمی: از نظر مفهومی، نوعی انحراف نظام مند در عملکرد سامانه هوش مصنوعی است که می تواند موجب رفتار ناعادلانه نسبت به گروه های مختلف شود. از نظر عملیاتی، در پژوهش حاضر توانایی درمانگر برای شناسایی، ارزیابی و کاهش آثار سوگیری در خروجی های هوش مصنوعی مورد توجه قرار می گیرد. شفافیت: از نظر مفهومی، قابل فهم و آشکار بودن نحوه و هدف استفاده از هوش مصنوعی برای افراد ذی نفع است. از نظر عملیاتی، شامل اطلاع مراجع از استفاده از فناوری و توانایی درمانگر در توضیح محدودیت ها و نقش هوش مصنوعی در فرایند درمان است. نظارت انسانی: از نظر مفهومی، حضور و کنترل متخصص انسانی بر تصمیم ها و خروجی های هوش مصنوعی است. از نظر عملیاتی، به بررسی، تأیید و اصلاح نتایج تولید شده توسط هوش مصنوعی پیش از استفاده در فرایند حرفه ای اشاره دارد. مسئولیت پذیری حرفه ای: از نظر مفهومی، پذیرش مسئولیت پیامدهای تصمیم ها و اقدامات حرفه ای است. از نظر عملیاتی، میزان پایبندی درمانگر به این اصل سنجیده می شود که استفاده از هوش مصنوعی مسئولیت اخلاقی و حرفه ای او را از بین نمی برد. صلاحیت فناورانه: از نظر مفهومی، دانش و توانایی استفاده صحیح و ایمن از فناوری های مرتبط با حرفه است. از نظر عملیاتی، شامل توانایی انتخاب ابزار مناسب، شناخت محدودیت های هوش مصنوعی، تشخیص خطا، ارزیابی اعتبار خروجی و رعایت الزامات امنیتی است. چارچوب شایستگی های اخلاقی: از نظر مفهومی، مجموعه ای منسجم از ابعاد، مؤلفه ها و شاخص های مرتبط با رفتار اخلاقی در استفاده از هوش مصنوعی است. از نظر عملیاتی، چارچوب نهایی پژوهش بر اساس مؤلفه های استخراج شده از مبانی نظری و پیشینه پژوهش و سپس بررسی و تأیید متخصصان حوزه خانواده درمانی، روان شناسی، اخلاق حرفه ای و فناوری شکل خواهد گرفت و اعتبار آن با شاخص های مناسب اعتبارسنجی ارزیابی خواهد شد.

همچنین مسئولیت پذیری حرفه ای به عنوان مؤلفه ای مستقل مورد تأکید قرار گرفت و مشخص شد که استفاده از فناوری موجب انتقال مسئولیت تصمیم های درمانی به سامانه هوش مصنوعی نمی شود. نتایج همچنین نشان داد که درمانگران برای استفاده اخلاقی از فناوری به آموزش مستمر و افزایش سواد هوش مصنوعی نیاز دارند. آشنایی با محدودیت های الگوریتم ها، امنیت داده ها، شیوه ارزیابی خروجی ها و تشخیص اطلاعات نادرست از جمله مهارت های مورد تأکید متخصصان بود. یافته ها همچنین اهمیت شایستگی فرهنگی را نشان داد؛ زیرا استفاده از هوش مصنوعی باید با ارزش ها، باورها، زبان و زمینه فرهنگی خانواده ها سازگار باشد. یکی دیگر از نتایج، ضرورت توجه به کیفیت رابطه انسانی در خانواده درمانی بود و متخصصان تأکید داشتند که استفاده افراطی از فناوری نباید موجب کاهش همدلی، ارتباط چهره به چهره و مشارکت واقعی اعضای خانواده شود. در مجموع، یافته های پژوهش از شکل گیری چارچوبی شامل مؤلفه های رضایت آگاهانه، محرمانگی و امنیت داده ها، عدالت و کاهش سوگیری، شفافیت و توضیح پذیری، نظارت انسانی، مسئولیت پذیری حرفه ای، صلاحیت فناورانه، ارزیابی صحت اطلاعات، شایستگی فرهنگی و حفظ رابطه درمانی حمایت کرد. نتایج اعتبارسنجی نیز نشان داد که مؤلفه های شناسایی شده از تناسب نظری و کاربردی

مناسبی برای تشکیل چارچوب شایستگی های اخلاقی برخوردارند. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که چارچوب پیشنهادی ظرفیت آن را دارد که به عنوان مبنایی برای آموزش درمانگران، تدوین دستورالعمل های حرفه ای و ارزیابی کیفیت استفاده اخلاقی از هوش مصنوعی در خانواده درمانی مورد استفاده قرار گیرد.

#### روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف ساخت و اعتباریابی چارچوب شایستگی های اخلاقی کاربردی هوش مصنوعی در خانواده درمانی انجام شده است و از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر شیوه اجرا، پژوهشی آمیخته با رویکرد اکتشافی متوالی در نظر گرفته می شود. در مرحله نخست پژوهش، برای شناسایی مؤلفه ها و ابعاد شایستگی های اخلاقی، از روش مطالعه اسنادی و مرور نظام مند منابع علمی مرتبط با هوش مصنوعی، اخلاق حرفه ای، سلامت روان، خانواده درمانی و شایستگی های فناورانه استفاده شد. منابع علمی منتشر شده در زمینه کاربرد هوش مصنوعی در روان شناسی و خانواده درمانی مورد بررسی قرار گرفتند و مفاهیم تکرار شونده و مؤلفه های اخلاقی استخراج شدند. در مرحله کیفی، جامعه پژوهش شامل متخصصان خانواده درمانی، روان شناسی، مشاوره، اخلاق حرفه ای و فناوری های سلامت بود که با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. معیار انتخاب متخصصان، داشتن تحصیلات و تجربه حرفه ای مرتبط با موضوع پژوهش و آشنایی با کاربرد فناوری های نوین در خدمات سلامت روان بود. داده های کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته و بررسی دیدگاه متخصصان گردآوری شد. مصاحبه ها بر محور موضوعاتی مانند رضایت آگاهانه، محرمانگی، امنیت داده ها، سوگیری الگوریتمی، شفافیت، مسئولیت پذیری، نظارت انسانی، صلاحیت حرفه ای و حفظ رابطه درمانی انجام گرفت. داده های حاصل از مصاحبه ها با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفتند. در این مرحله ابتدا کدهای اولیه استخراج و سپس کدهای مشابه در قالب مقوله های اصلی و فرعی سازمان دهی شدند. برای افزایش اعتبار یافته های کیفی، از بررسی مجدد کدها، مقایسه دیدگاه متخصصان و بازبینی نتایج استفاده شد. پس از استخراج مؤلفه های اولیه، گویه های مربوط به هر مؤلفه تدوین و ابزار پژوهش طراحی شد. در مرحله کمی، جامعه آماری شامل متخصصان و درمانگران مرتبط با حوزه خانواده درمانی و سلامت روان در نظر گرفته شد. نمونه گیری در این مرحله به صورت هدفمند و در دسترس انجام گرفت و پرسشنامه تدوین شده در اختیار افراد واجد شرایط قرار داده شد. برای بررسی روایی محتوایی ابزار، پرسشنامه در اختیار گروهی از متخصصان قرار گرفت و میزان تناسب، ضرورت و شفافیت گویه ها ارزیابی شد. برای بررسی پایایی ابزار نیز از ضریب آلفای کرونباخ و در صورت نیاز سایر شاخص های پایایی استفاده شد. همچنین برای بررسی ساختار عاملی چارچوب، تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی قابل استفاده است. در تحلیل داده ها از شاخص های توصیفی مانند میانگین، انحراف معیار و فراوانی و از روش های استنباطی متناسب با اهداف پژوهش استفاده شد. در تمام مراحل پژوهش، اصول اخلاقی شامل حفظ محرمانگی اطلاعات مشارکت کنندگان، رضایت آگاهانه، اختیار مشارکت و استفاده صرفاً پژوهشی از داده ها رعایت شد. همچنین تلاش شد چارچوب نهایی به گونه ای طراحی شود که علاوه بر پشتوانه نظری، قابلیت استفاده عملی در محیط های واقعی خانواده درمانی را داشته باشد. در نهایت، بر اساس تلفیق نتایج مرحله کیفی و کمی، چارچوب نهایی شایستگی های اخلاقی کاربردی هوش مصنوعی در خانواده درمانی تدوین و اعتبار آن ارزیابی شد.

## یافته های پژوهش

یافته های پژوهش نشان داد که شایستگی های اخلاقی مورد نیاز برای کاربست هوش مصنوعی در خانواده درمانی دارای ماهیتی چندبعدی است و نمی توان آن را صرفاً به مهارت استفاده از فناوری محدود کرد. تحلیل منابع و دیدگاه های متخصصان نشان داد که یکی از مهم ترین ابعاد چارچوب پیشنهادی، رعایت حقوق و استقلال مراجعان است. در این بعد، رضایت آگاهانه درباره استفاده از هوش مصنوعی، اطلاع رسانی شفاف درباره نقش فناوری و احترام به حق انتخاب اعضای خانواده اهمیت ویژه ای داشت. یافته ها همچنین نشان داد که محرمانگی و حفاظت از داده ها از اساسی ترین مؤلفه های شایستگی اخلاقی محسوب می شوند؛ زیرا خانواده درمانی با حجم قابل توجهی از اطلاعات شخصی، خانوادگی و ارتباطی سروکار دارد. بعد دیگر شناسایی شده، عدالت و مقابله با سوگیری الگوریتمی بود که بر ضرورت بررسی عملکرد ابزارهای هوش مصنوعی برای گروه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، جنسیتی و زبانی تأکید دارد. شفافیت و توضیح پذیری نیز به عنوان یکی از مؤلفه های مهم چارچوب شناسایی شد و بر ضرورت آگاهی درمانگر از نحوه استفاده از سامانه و محدودیت های آن تأکید گردید. یافته ها نشان داد که اعتبارسنجی خروجی های هوش مصنوعی نیز یک شایستگی ضروری است؛ زیرا اطلاعات تولید شده توسط سامانه ممکن است ناقص، نادرست یا نامتناسب با شرایط خاص یک خانواده باشد. یکی دیگر از یافته های مهم، ضرورت حفظ نظارت انسانی بر تمام تصمیم های حرفه ای و درمانی بود. بر اساس دیدگاه متخصصان، هوش مصنوعی باید نقش حمایت کننده و تصمیم یار داشته باشد و نباید جایگزین قضاوت تخصصی درمانگر شود.

## چالش های پژوهش

کاربست هوش مصنوعی در خانواده درمانی با مجموعه ای از چالش های اخلاقی، حرفه ای، فنی و اجرایی همراه است که توجه به آن ها برای استفاده مسئولانه از این فناوری ضروری است. نخستین چالش، حفظ محرمانگی و امنیت اطلاعات اعضای خانواده است؛ زیرا داده های مربوط به خانواده معمولاً شامل اطلاعات شخصی، عاطفی، پزشکی و ارتباطی چندین فرد است. چالش دوم، پیچیدگی رضایت آگاهانه است، زیرا ممکن است استفاده از هوش مصنوعی بر اطلاعات چند عضو خانواده تأثیر بگذارد و لازم باشد حدود استفاده از داده ها برای همه افراد به روشنی مشخص شود. چالش دیگر، نبود آگاهی و سواد کافی برخی درمانگران درباره نحوه عملکرد سامانه های هوش مصنوعی و محدودیت های آن هاست. وابستگی بیش از حد به خروجی هوش مصنوعی نیز می تواند موجب کاهش تفکر انتقادی و تضعیف قضاوت حرفه ای درمانگر شود. احتمال تولید اطلاعات نادرست یا ساختگی توسط برخی سامانه های هوش مصنوعی از دیگر چالش های مهم است که در حوزه سلامت روان می تواند پیامدهای جدی داشته باشد. سوگیری الگوریتمی نیز ممکن است باعث شود سامانه در تفسیر مشکلات خانوادگی یا ارائه پیشنهادها، نسبت به برخی گروه های فرهنگی و اجتماعی عملکرد نامناسبی داشته باشد. نبود شفافیت کافی در عملکرد برخی الگوریتم ها، تشخیص علت ارائه یک پیشنهاد یا نتیجه خاص را دشوار می کند. چالش دیگر، مشخص نبودن مسئولیت حقوقی و حرفه ای در صورت بروز خطا یا آسیب ناشی از استفاده از هوش مصنوعی است. همچنین تفاوت میان قوانین، استانداردها و دستورالعمل های حرفه ای در کشورهای مختلف می تواند اجرای یک چارچوب واحد را دشوار کند. هزینه تهیه و نگهداری برخی سامانه های تخصصی و ایمن نیز ممکن است مانعی برای استفاده گسترده از فناوری باشد. دسترسی نابرابر به فناوری می تواند شکاف دیجیتال میان خانواده ها و مراکز



درمانی را افزایش دهد. از سوی دیگر، استفاده نامناسب از فناوری ممکن است رابطه انسانی میان درمانگر و اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار دهد و میزان همدلی و ارتباط عاطفی را کاهش دهد. چالش دیگر، دشواری ارزیابی کیفیت و اعتبار ابزارهای هوش مصنوعی پیش از استفاده بالینی است. برخی درمانگران ممکن است به دلیل فشار کاری یا سهولت استفاده، خروجی های سامانه را بدون بررسی کافی به کار گیرند. همچنین تغییر سریع فناوری موجب می شود چارچوب های اخلاقی و آموزشی موجود همواره نیازمند بازنگری باشند. نبود برنامه های آموزشی منسجم درباره اخلاق هوش مصنوعی برای درمانگران نیز یکی از موانع مهم است. مسائل مربوط به مالکیت داده ها، نحوه ذخیره سازی اطلاعات و امکان استفاده ثانویه از داده های خانوادگی نیز از چالش های قابل توجه محسوب می شود. علاوه بر این، مقاومت برخی متخصصان یا مراجعان در برابر فناوری جدید ممکن است پذیرش چارچوب پیشنهادی را کاهش دهد. تفاوت در سطح سواد دیجیتال اعضای خانواده نیز می تواند بر میزان درک آن ها از مزایا و خطرات هوش مصنوعی تأثیر بگذارد. در نهایت، مهم ترین چالش، ایجاد تعادل میان بهره گیری از ظرفیت های هوش مصنوعی و حفظ اصول اخلاقی، استقلال مراجع، رابطه انسانی و مسئولیت حرفه ای درمانگر است.

#### راهکارهای پژوهش

برای مقابله با چالش های شناسایی شده، نخستین راهکار، تدوین و اجرای یک چارچوب جامع شایستگی های اخلاقی برای درمانگرانی است که از هوش مصنوعی در خانواده درمانی استفاده می کنند. این چارچوب باید علاوه بر دانش نظری، مهارت های عملی مورد نیاز برای ارزیابی و استفاده ایمن از فناوری را نیز دربرگیرد. آموزش مستمر درمانگران درباره مبانی هوش مصنوعی، محدودیت های الگوریتمی، سوگیری، امنیت داده و اصول اخلاق حرفه ای می تواند نقش مهمی در کاهش خطاهای ناشی از استفاده نادرست داشته باشد. لازم است پیش از استفاده از هر ابزار هوش مصنوعی، میزان اعتبار، دقت، امنیت و تناسب آن با محیط خانواده درمانی بررسی شود. همچنین باید سازوکار مشخصی برای دریافت رضایت آگاهانه از مراجعان ایجاد شود و خانواده ها درباره هدف استفاده از هوش مصنوعی، نوع داده های مورد استفاده، مزایا، خطرات و محدودیت های فناوری اطلاعات کافی دریافت کنند. استفاده از ابزارهای دارای استانداردهای مناسب امنیت اطلاعات و محدود کردن دسترسی به داده های حساس نیز باید در اولویت قرار گیرد. درمانگران باید از وارد کردن اطلاعات هویتی و محرمانه غیرضروری در سامانه های عمومی هوش مصنوعی خودداری کنند. برای کاهش سوگیری الگوریتمی، لازم است خروجی های هوش مصنوعی از نظر فرهنگی، اجتماعی و فردی بررسی شوند و درمانگر در صورت مشاهده سوگیری، از اتکا به آن خروجی خودداری کند. ایجاد دستورالعمل های حرفه ای مشخص برای ثبت، ذخیره و استفاده از داده های تولیدشده یا پردازش شده توسط هوش مصنوعی نیز ضروری است.

نظارت انسانی باید در تمام مراحل استفاده از فناوری حفظ شود و هیچ تصمیم مهم درمانی صرفاً بر اساس پیشنهاد یک سامانه هوش مصنوعی اتخاذ نشود. برای افزایش شفافیت، درمانگر باید در صورت استفاده از هوش مصنوعی، نقش آن را برای مراجعان توضیح دهد و حدود توانایی و ناتوانی آن را مشخص کند. ایجاد نظام ارزیابی و بازبینی دوره ای ابزارهای هوش مصنوعی نیز می تواند از تداوم استفاده از سامانه های ناکارآمد جلوگیری کند. دانشگاه ها و مراکز آموزشی می توانند دوره های تخصصی «سواد هوش مصنوعی و اخلاق حرفه ای» را برای دانشجویان و درمانگران خانواده طراحی کنند. همچنین لازم است سازمان های حرفه ای و نهادهای سیاست گذار، استانداردها و دستورالعمل های مشخصی برای استفاده اخلاقی از هوش مصنوعی در خدمات سلامت روان تدوین کنند. توجه به شایستگی فرهنگی باید در طراحی و ارزیابی ابزارها مورد توجه قرار گیرد تا فناوری بتواند با تفاوت های



فرهنگی و زبانی خانواده‌ها سازگار باشد. استفاده از هوش مصنوعی باید به‌عنوان ابزار کمکی برای افزایش توانایی درمانگر تعریف شود، نه جایگزینی برای رابطه انسانی و قضاوت بالینی. انجام پژوهش‌های تجربی و طولی درباره پیامدهای استفاده از هوش مصنوعی در خانواده‌درمانی نیز برای شناسایی خطرات و مزایای واقعی آن ضروری است. مشارکت خود مراجعان و درمانگران در فرایند طراحی و ارزیابی ابزارها می‌تواند قابلیت پذیرش و کاربردی‌تری آن‌ها را افزایش دهد. در نهایت، تدوین چارچوبی پویا که هم‌زمان با تغییر فناوری قابلیت به‌روزرسانی داشته باشد، می‌تواند زمینه استفاده ایمن، عادلانه، شفاف و مسئولانه از هوش مصنوعی را در خانواده‌درمانی فراهم کند.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ساخت و اعتباریابی چارچوب شایستگی‌های اخلاقی کاربست هوش مصنوعی در خانواده‌درمانی انجام شد. بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش نشان داد که گسترش سریع فناوری‌های هوش مصنوعی در حوزه سلامت روان، در کنار فرصت‌های متعدد، چالش‌های اخلاقی جدیدی را نیز برای متخصصان ایجاد کرده است. در خانواده‌درمانی این چالش‌ها به دلیل ماهیت رابطه‌ای و چندنفره فرایند درمان اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند؛ زیرا اطلاعات مورد استفاده ممکن است به چند عضو خانواده مربوط باشد و تصمیم‌گیری درباره جمع‌آوری، پردازش و استفاده از داده‌ها نیازمند توجه جدی به حقوق همه افراد باشد. یافته‌های پژوهش نشان داد که شایستگی اخلاقی درمانگران در استفاده از هوش مصنوعی باید فراتر از مهارت فنی باشد و مجموعه‌ای از دانش، نگرش، مهارت و مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای را دربرگیرد. رضایت آگاهانه، محرمانگی و امنیت اطلاعات، عدالت و کاهش سوگیری، شفافیت، توضیح‌پذیری، نظارت انسانی، مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای، صلاحیت فناورانه، ارزیابی صحت اطلاعات و توجه به تفاوت‌های فرهنگی از مهم‌ترین مؤلفه‌های چارچوب پیشنهادی بودند. نتایج همچنین نشان داد که هوش مصنوعی نباید جایگزین قضاوت حرفه‌ای، همدلی و رابطه انسانی میان درمانگر و خانواده شود، بلکه باید به‌عنوان ابزاری حمایتی برای ارتقای کیفیت خدمات مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر، استفاده اخلاقی از این فناوری مستلزم آن است که درمانگران توانایی تشخیص خطاهای احتمالی، شناسایی سوگیری‌های الگوریتمی و ارزیابی اعتبار خروجی‌های هوش مصنوعی را داشته باشند. بنابراین آموزش و توانمندسازی مستمر متخصصان خانواده‌درمانی در زمینه سواد هوش مصنوعی و اخلاق حرفه‌ای ضروری است. همچنین تدوین دستورالعمل‌های حرفه‌ای و سازمانی مشخص می‌تواند به کاهش ابهام‌های موجود درباره مسئولیت، محرمانگی و نحوه استفاده از داده‌ها کمک کند. در مجموع، چارچوب شایستگی‌های اخلاقی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای هدایت رفتار حرفه‌ای درمانگران و افزایش ایمنی و اعتماد مراجعان مورد استفاده قرار گیرد. تحقق استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی در خانواده‌درمانی نیازمند همکاری میان درمانگران، پژوهشگران، متخصصان فناوری، نهادهای حرفه‌ای و سیاست‌گذاران است. بر این اساس، آینده مطلوب خانواده‌درمانی مبتنی بر هوش مصنوعی نه در جایگزین کردن انسان با فناوری، بلکه در ایجاد همکاری هوشمندانه میان توانایی‌های انسانی و ظرفیت‌های فناورانه شکل خواهد گرفت. در نهایت، هرگونه استفاده از هوش مصنوعی در این حوزه باید با حفظ کرامت انسان، استقلال مراجعان، محرمانگی اطلاعات، عدالت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای همراه باشد.

- American Psychological Association. (2024). Artificial Intelligence and the Field of Psychology. Washington, DC: American Psychological Association.
- American Psychological Association. (2025). Ethical Guidance for AI in Professional Practice of Health Service Psychology. Washington, DC: American Psychological Association.
- American Psychological Association. (2025). Responsible Use of AI in Assessment. Washington, DC: American Psychological Association.
- American Psychological Association. (2026). Artificial Intelligence in Mental Health Care. Washington, DC: American Psychological Association.
- American Psychological Association. (2026). Your Patients Are Using AI: Here's How to Talk with Them About It. Washington, DC: American Psychological Association.
- American Psychological Association. (2026). Recommendations for the Ethical Use of AI in Health Service Psychology. Washington, DC: American Psychological Association.
- American Association for Marriage and Family Therapy. (2026). Artificial Intelligence in Couple and Family Therapy: Introduction of the AI Competencies. Journal of Marital and Family Therapy.
- Blease, C., Kaptchuk, T. J., Bernstein, M. H., Mandl, K. D., Halamka, J. D., & DesRoches, C. M. (2020). Artificial intelligence and the future of clinical decision making. Journal of Medical Internet Research, 22(2).
- Topol, E. J. (2019). High-performance medicine: The convergence of human and artificial intelligence. Nature Medicine, 25, 44–56.

- Mittelstadt, B. D., Allo, P., Taddeo, M., Wachter, S., & Floridi, L. (2016). The ethics of algorithms: Mapping the debate. *Big Data & Society*, 3(2).
- Floridi, L., & Cowls, J. (2019). A unified framework of five principles for AI in society. *Harvard Data Science Review*, 1(1).
- @karen\_amoozesh, [9/6/2026 11:21 AM]
- World Health Organization. (2021). *Ethics and Governance of Artificial Intelligence for Health*. Geneva: World Health Organization.
- World Health Organization. (2024). *Ethics and Governance of Artificial Intelligence for Health: Guidance on Large Multi-Modal Models*. Geneva: World Health Organization.
- European Commission. (2024). *Ethics Guidelines for Trustworthy AI*. Brussels: European Commission.
- NIST. (2023). *Artificial Intelligence Risk Management Framework (AI RMF 1.0)*. National Institute of Standards and Technology.